

درس‌های مکتب حسینی در نمایشنامه «الحسین ثائرا و شهیدا» اثر عبدالرحمن شرفاوی

سید مهدی نوری کینقانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

چکیده

مکتب حسینی مدرسه بزرگی است که در طول تاریخ مسئله‌آموز هزاران مدرس بوده است و هرکسی به اندازه ظرفیت وجودی خویش از آن درس آموخته است. عبدالرحمن شرفاوی اندیشمند و ادیب اهل سنت مصری (۱۹۲۰-۱۹۸۷ م) در نمایشنامه‌ای پرمایه و با سبکی زیبا و ادبی، زندگی و شهادت امام حسین علیه السلام را به تصویر کشیده است. مقاله حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی درنگی در مهمترین درس‌های مدرسه حسینی در این نمایشنامه داشته است. یافته‌های جستار حاکی از آن است که شرفاوی در این نمایشنامه تنها روایتگر تاریخ و درصدد مرثیه‌سرایی نیست بلکه سعی دارد با الگو گرفتن از مکتب سیدالشهداء برای جامعه اسلامی و به‌ویژه کشور خویش، درس زندگی به همراه آورد و علاج مشکلات جامعه خود را در پیروی از سیره امام حسین علیه السلام بیابد. آزادگی، عزت، اخلاص، جوانمردی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری. سبزوار، ایران. sm.nori@hsu.ac.ir

از مهمترین درس‌های مدرسه حسینی است که در نمایشنامه
شرق‌آوی نمود بازی دارد.
کلیدواژه‌ها: الحسین ثائرا و شهیدا، درس‌های عاشورا، مکتب
حسینی، عبدالرحمن شرق‌آوی.

مقدمه

نزدیک به چهارده قرن از شهادت سبط رسول خدا در صحرای نینوا سپری شده اما
آتش عشق او در دل‌های عاشقانش خاموش نشده و با گذر زمان بر مریدان و ارادتمندان
آن حضرت افزوده شده است. این ارادت روزافزون تفسیر سخن پیامبر ﷺ است که
فرمودند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰/۳۱۹).
بارا (۱۳۸۱: ۲۳۸-۲۳۹)؛ اندیشمند مسیحی، در شرح این سخن پیامبر ﷺ نوشته است:
«این سوز و گداز ناشی از حرارت قتل بی‌دلیل و ظالمانه مسلمانی به دست مسلمان
دیگر است، ستمی که نه در گذشته و نه در آینده نظیر آن نبوده است. این سوز و گداز
ناشی از آزار مؤمن به دست غیرمؤمن است و سرمایه ابدی خود را از خشم الهی گرفته که
به خاطر خشم رسولش، خشمگین شده است».

هنر و ادب از دیرباز ابزاری مهم و قدرتمند در انتقال مفاهیم و فرهنگ بوده است.
قبل از ظهور اسلام نیز برتری و فخر با قبایلی بود که خطیب و شاعری زبان آور داشتند چرا
که چنین شاعری «نکویی‌های آنان را برای همیشه جاودان می‌ساخت و مفاخر آنها را در
سینه‌ها حک می‌کرد» (زیات، ۱۳۸۳: ۳۶). بنابراین هر فکر و فرهنگی که زبان شعر را به
کار نگیرد در حق خود کوتاهی عظیمی کرده است. شعر از قدیم‌ترین آفریده‌های روح
بشری برای نه تنها بیان بلکه القای احساس و درک و تلقی است. انسان روزی که
خواست سخن را به رسالت بفرستد شعر را اختراع کرد (حکیمی، ۱۳۷۶: ۲۲).

یکی از راه‌های نفوذ فرهنگ و پیام عاشورا در جان‌های شیفتگان، ادبیات فاخر و
اثرگذار است زیرا روح انسان مشتاق شنیدن و خواندن متون ناب ادبی خاصه
چکامه‌های پر احساس و حماسی است. البته پوشیده نیست که میراث ادبی (چه شعر
و چه نثر) برای انگیزش عاطفه نهفته در خودآگاه درونی انسان مسلمان همواره نیازمند



مقداری تخیل و شگردهای هنری بوده است. اما این تخیل باید در چارچوب مفاهیم بنیادین مسئله حرکت کند تا به ارائه ابعادی نامربوط و اندیشه‌هایی متناقض با چارچوب اصلی قضیه نیانجامد (فضل الله، ۱۳۸۴: ۳۸). ادب که بغض سالیان عاشورا از کنار گاهواره حماسه‌آفرین عاشورا آغاز شد و با خون دل داغدیدگان این ماتم - که هیچ گاه کهنه نمی‌شود - تداوم یافت؛ خون دلی که با اشک چشم می‌آمیخت و در حالی که بغض سالیان و قرن‌ها، راه صدا را بر گلو بسته و جوهر را در قلم خشکانیده، از سینه‌ای به سینه دیگر منقل می‌شد (بحرالعلوم، ۱۳۷۶: ۳۸).

نمایشنامه یکی از قالب‌هایی است که ادیبان و شاعران معاصر برای ترسیم وقایع و رخداد‌های عاشورا بسیار استفاده کرده‌اند. به گونه‌ای که در سده اخیر در ادبیات فارسی و عربی نمایشنامه‌های عاشورایی بسیاری نگاشته شد. از مهمترین این نمایشنامه‌ها در ادبیات عربی می‌توان به آثاری چون «الحسین» از ادیب سوری ولید فاضل، «الحر الریاحی» از شاعر عراقی عبدالرزاق عبدالواحد و «الحسین ثائرا و شهیدا» از ادیب مصری عبدالرحمن شرقاوی اشاره کرد.

بیان مسئله

عبدالرحمن شرقاوی (۱۹۲۰-۱۹۸۷) یکی از ادیبان و متفکران برجسته معاصر جهان عرب است. وی در سال ۱۹۴۳م از دانشکده حقوق دانشگاه الأزهر قاهره فارغ التحصیل شد. او سال‌ها در مناصب دولتی و نیز حرفه روزنامه‌نگاری مشغول به کار بود و در اشعار و نمایشنامه‌هایش به مسائل سیاسی و اجتماعی معاصر می‌پرداخت (الجبوری، ۲۰۰۳: ۳۷۷/۳). کوشش‌های ادبی و اجتماعی شرقاوی سبب شد که دبیر کل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا و شورای عالی هنر و ادب مصر شود. زندگی روستایی‌اش الهام بخش بسیاری از داستان‌های کوتاه و بلند او بود (شرقاوی، ۱۳۹۹: ۹).

شرقاوی پس از نگارش رمان «الأرض» (سرزمین) جایگاه عظیمی در ادبیات عربی به دست آورد. نجیب محفوظ درباره اثر وی گفت: شرقاوی با نوشتن این رمان پیشوای ادبیات سوسیالیستی در ادبیات معاصر عربی است (ناظمیان، ۱۳۸۷: ۲۱۸). یکی دیگر از آثار ارزنده این متفکر اهل سنت، نمایشنامه «الحسین ثائرا و

شهیدا^۱ است که از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر عربی برخوردار است. این نمایشنامه شعری^۲ در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول آن به حوادث پیش از شهادت امام حسین علیه السلام اشاره دارد و با جریان مرگ معاویه آغاز می‌شود و قسمت دوم به حوادث مربوط به ورود امام حسین علیه السلام به کربلا و شهادت ایشان و اهل بیت و یارانش می‌پردازد.

مقاله حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی درنگی در مهم‌ترین درس‌های عاشورایی این نمایشنامه دارد؛ چرا که «یک نمایشنامه صرفاً تاریخی نیست بلکه حوادث تاریخی در آن به‌عنوان چارچوبی به کار رفته است که قصد دارد پیامی نو را به خواننده انتقال دهد. امام حسین علیه السلام در این نمایشنامه شخصیتی انقلابی دارد و برای دفاع از حق و عدالت شهادت را برمی‌گزیند و در پایان نمایشنامه شیخ امام علیه السلام در گفتگویی طولانی مردم را تشویق می‌کند تا از ایشان یاد کنند، البته نه با انتقام و خونریزی بلکه با تداوم مبارزه برای تحقق عدالت میان مردم و دفاع از حق و فضیلت و آزادی و همه ارزش‌های بزرگ زندگی» (بدوی، ۲۰۱۶: ۴۱۷). مترجم فارسی این اثر در توصیف آن می‌گوید: «در این نمایشنامه شرقاوی شاهکاری ادبی آفریده و به زیبایی و شیوایی با زبانی رسا و روان قیام امام شهیدان را بیان کرده است. با خواندن این نمایشنامه پر هیجان حماسه حسینی رویاروی دل و دیده جان می‌گیرد. نبرد دایمی حق و باطل ترسیم می‌شود و این بانگ بلند از فراز تاریخ به گوش می‌رسد که بر زبر این زمین سبز و زیر این آسمان آبی: هر زمینی کربلاست و هر روزی عاشورا» (شرقاوی، ۱۳۹۹: ۱۴).

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی با عنوان مقاله حاضر انجام نشده است اما در خصوص نمایشنامه شرقاوی از دیگر جنبه‌ها پژوهش‌هایی صورت گرفته که مهم‌ترین آنها عبارتند از: «اشکال

۱. قیام و شهادت امام حسین علیه السلام.

۲. این نمایشنامه به صورت شعر تفعلیه نو عربی است؛ یعنی وزن دارد اما طول تفعیله‌ها در هر سطر متفاوت است (شبیه شعر نیمایی فارسی).

الصراع و تجلیاته فی مسرحیه الحسین ثائرا لعبد الرحمن الشرقاوی»، ایمان ابن یزه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قاصدی، مرباح ورقله، ۲۰۱۶م؛ «بررسی حقیقت ماندی در نمایشنامه های عاشورایی معاصر (مورد پژوهی: الحر الریاحی، الحسین ثائرا و الحسین)»، نرگس انصاری، صفورا فصیحی، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴، اسفند ۱۴۰۱، ص ۴۸-۶۵؛ «جلوه های پایداری در نمایشنامه الحسین ثائرا و شهیدا اثر عبدالرحمن شرقاوی»، حجت اله فسنقری و بهروز سالمی مغانلو، مجله ادب عربی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷ش.

درس های مکتب حسینی

مکتب امام حسین علیه السلام از چنان گستره و ژرفای معرفتی برخوردار است که در طول تاریخ، اندیشمندان، فلاسفه، ادیبان و شاعران مبهوت عظمت آن شده اند. این مکتب تنها به شیعیان اختصاص ندارد بلکه اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز آن را بسیار ستوده اند. انگری (۱۳۷۸: ۲۷۲) در پایان کتاب خود از زبان «هیکل پاشا» مورخ مصری می گوید: «حسین فقط مورد احترام و ستایش شیعیان نیست، بلکه ما سنی ها هم مانند ایشان، حسین را به عنوان یک قهرمان و یک شهید بزرگ ستایش می کنیم؛ چه او با قربانی کردن خود شهادت و عشق به ایمان و مذهب را در قلب همه مسلمانان بیدار کرده است». در ادامه به برخی از آموزه های مکتب حسینی در نمایشنامه عبدالرحمن شرقاوی اشاره می کنیم:

الف) درس اخلاص

اخلاص از ویژگی های بارز مکتب حسینی و نیز همه شخصیت های عاشورایی است؛ چرا که اگر اخلاص نبود این نهضت چنین عالمگیر و جاودانه نمی شد. آنچه مهم ترین عامل ماندگاری نهضت عاشورا در طول قرون و اعصار است جوهره اخلاص در نهضت عاشورا است. خداوند وعده فرموده که عمل مخلصان و تلاش مخلصانه را تباه نکند و اجر دنیوی و اخروی آنان را کامل عطا کند» (محدثی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). شرقاوی (۱۹۹۵: ۶۷) بارها در نمایشنامه به خلوص سیدالشهداء و یارانش اشاره می کند. برای



مثال در پرده سوم نمایشنامه، امام حسین علیه السلام را به تصویر می کشد که در دل شب و پنهانی به نیازمندان کمک می کند. این عمل حضرت صبغه الهی دارد و از ریا به دور است. ماجرا چنین است که «بشر» و «سعید» در دل شب امام علیه السلام را دنبال می کنند و راز ایشان را جويا می شوند:

بشر: أَهَذَا أَنْتَ تَمُرُّ كَدَأْبِكَ قَبْلَ الْفَجْرِ
سعید: تُعْطِي الْمَسْكِينِ وَأَنْ لَمْ يَسْأَلْ
و تُبِيح طَعَامَكَ لِلْأَرْمَلِ
و تُغِيثُ الْعَائِلَ وَالْمُعْتَرَّ^۱

امام علیه السلام از آنان درخواست می کنند که این راز را فاش نسازند. این در حالی است که به قول «بشر» گاه دیگران برای کسب نام و نشان صدقات خود را آشکار می کنند!:

الحسین: سَرَى قَدْ سَأَفَكَمَا اللَّهُ إِلَيْهِ فَلَا تَشْيَا بِالسَّرِّ
بشر: غَيْرَ يَفْخَرُ بِالصَّدَقَاتِ لِيَكْسِبَ مِنْهَا حَمْدَ الْغَيْرِ^۲

امام علیه السلام فقط به دنبال رضای خداوند است و دوست دارد آبروی نیازمندان حفظ گردد:

الحسین: وَ بَذَاكَ يَضِيحُ حَسَنَ الْأَجْرِ خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا لَا يَفْضَحُ سِرَّ الْمُحْتَاجِينَ إِلَيْهَا^۳

ب) عدالت خواهی

عدالت در جامعه آرمان همه پیامبران الهی در طول تاریخ بوده است. خداوند متعال در قرآن به طور مستقیم ما را به عدالت فرمان می دهد و خود را دوستدار عدالت پیشگان معرفی می کند: «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/۹) و در آیه ای دیگر ابتدا به عدل و سپس نیکی فرامی خواند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰).

۱. بشر: آیا این شماست که مانند همیشه قبل از سپیده دم راهی می شوید. سعید: به مساکین کمک می کنید هرچند درخواست نکنند، و غذایتان را به بیوه زنان می دهید و به تهیدستان و بینوایان یاری می رسانید.

۲. حسین: این راز من بود که خداوند شما را بدان رهنمون ساخت. بشر: دیگران به صدقات خود افتخار می کنند تا ستایش مردمان را به دست آورند.

۳. حسین: و بدین گونه اجر کارشان تباہ می گردد؛ بهترین صدقات آن است که راز نیازمندان فاش نگردد.

از بارزترین مفاسد حکومت اموی ظلم به مردم و نادیده‌گرفتن حقوق آنان بود و از بارزترین محورهای قیام عاشورا نیز عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی بود (محدثی، ۱۳۸۴: ۲۲۴). در زیارت سیدالشهداء ما گواهی می‌دهیم که حضرت به عدالت امر کرد و بدان فراخواند «أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِمَا» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۹۶). شرقاوی در نمایشنامه خویش بارها به ظلم امویان و عدالت‌خواهی امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند. وی برای حکومت ستمگر اموی و امیرانش حرمتی قائل نیست، امری که باعث شد هنگام نگارش این نمایشنامه از طرف سنت‌گرایان مصر مورد عتاب و بی‌مهری قرار گیرد و نمایشنامه‌اش بر پرده تئاتر و سینما ظاهر نگردد! در یکی از صحنه‌ها وی گفتگوی حضرت با «مروان بن حکم» در قصر «ولید» را به تصویر می‌کشد. در آنجا امام علیه السلام به تندی مروان را عتاب می‌کند و بر رعایت عدل پای می‌فشارد:

إِنَّ هَذَا الْمَالُ مَالُ الْمُسْلِمِينَ وَلِكُلِّ فِيهِ حَقٌّ مُسْتَحَقٌّ إِنَّهُ دَيْنٌ ثَقِيلٌ فِي الْعُنُقِ وَعَلَى
 الْحَاكِمِ أَنْ يَعْدَلَ فِي تَوْزِيْعِ مَالِ النَّاسِ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَإِذَا لَمْ يَعْدَلَ الْحَاكِمُ فِي التَّوْزِيْعِ
 فَالْحَاكِمُ أَثِمٌ^۱

در بخش دیگر هنگامی که پس از مرگ معاویه نزاعی میان افراد مخالف و موافق او درمی‌گیرد، شرقاوی از زبان «بشر» که یکی از همراهان و طرفداران امام حسین علیه السلام است چنین می‌سراید:

بشر: و الحسين بن علي عندما يغدو إماما

فسـيغـدو كأبيـه كـأميرالمؤمنين

فيقيم العدل في الناس و يبغيه سلاما

و سيغـلوا في حساب الأثرياء الكـانـزين^۲

آری امام حسین علیه السلام جان شریفش را بر سر آگاه ساختن جامعه و بازگرداندن عدالت

۱. این مال، مال مسلمانان است و همه در آن حق دارند. آن دینی سنگین برگردن ما است. حاکم باید در توزیع اموال مردم عدالت پیشه کند؛ اگر حاکم در توزیع اموال عادل نباشد بی‌شک گنهکار است.

۲. بشر: حسین بن علی چون حاکم گردد، مانند پدرش امیرالمؤمنین خواهد بود. عدالت را میان مردم برپا خواهد کرد و به دنبال صلح است و به حساب ثروتمندان مال اندوز خواهد رسید.

به آن نثار کرد. بنا به نوشته حکیمی (۱۳۷۷: ۸۵): «مردمی که اهمیت حیاتی و دینی و انسانی عدالت را درک نکنند، جاهلند؛ و مردمی که عدالتخواه نباشند مرده‌اند. فریاد دفاع از حقیقت و عدالت است که از حلقوم خونین عاشورا، لحظه به لحظه چونان تندرهای ستیغ لرزان، در اعماق زندگی‌ها و ملت‌ها طنین می‌افکند و رسالت سترگ عاشوراییان را هرچه با عظمت‌تر منعکس می‌سازد».

ج) ظلم ستیزی

مبارزه با ستمگران و نفی هرگونه ظلم بر بندگان از اصول مهم مکتب حسینی است. یکی از هشت ویژگی‌ای که پیامبر ﷺ برای مؤمن برمی‌شمارد، مبرا بود از ظلم به دشمنان است: «لا یظلم الأعداء» (مصطفوی، ۱۳۹۲: ۳۷۹). امام حسین علیه السلام زاده پدری است که می‌فرمود: «خداوند از دانشمندان پیمان گرفته است که بر شکمبارگی ظالمان و گرسنگی مظلومان صبر نکنند» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۵۰). صدر (۱۳۹۴: ۴۸۴) درباره ماهیت ظلم ستیزی نهضت حسینی می‌فرماید: «حسین علیه السلام انقلاب کرد تا برای امت، پنهان شدن حاکمان پشت اسم دین را آشکار سازد و حقیقت طاغوت‌هایی را رسوا کند که به اسم خلافت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر مردم حکم می‌راندند». شرفاوی (۱۹۹۵: ۲۶۹) در مواضع مختلف از نمایشنامه به این ویژگی امام علیه السلام اشاره می‌کند. گویا او از جوانان مصر و آگاهان سرزمینش می‌خواهد که از این چنین امامی الگو بگیرند. در صحنه‌ای که امام حسین علیه السلام در برابر حر بن یزید ریاحی قرار می‌گیرد خطاب به حر چنین می‌فرماید:

الحسین: کلکم یعرفُ اُنّی جئتُ کی أنقذکم من ظالمیکم
کلکم یعرفُ اُنّی جئتُ کی أهدم اركان الضلال^۱

برخی ممکن است نظر داشته باشند که این سخنان عین نص و کلام امام حسین علیه السلام نیست و درست نیست به ایشان انتساب یابد. در پاسخ باید گفت: (۱) این نمایشنامه یک اثر ادبی است و چنین تصرفاتی در حدی که با حقایق تاریخی در تعارض نباشد،

۱. حسین: همه شما می‌دانید که من آمده‌ام تا شما را از جنگال ستمگراتان رها سازم. همه شما می‌دانید که من آمده‌ام تا ستون‌های گمراهی را درهم شکنم.

امری مقبول و مرسوم است و به اصطلاح نوعی زبان حال است؛ ۲) پیامی که نویسنده درصدد بیان آن است با روح نهضت حسینی و دیگر اقوال و اراده امام و معصومین سازگار است. برای مثال شرفاوی از زبان امام علیه السلام می‌گوید: «أُنِي جئتُ كِي أَهْدِمَ أَرْكَانَ الضَّلَالِ» و هدف خویش را در هم شکستن گمراهی بیان می‌دارد و شبیه همین مضمون را در زیارت سیدالشهداء می‌خوانیم: «وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ الشُّكِّ وَ الْإِزْتِيَابِ» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۸).

د) مروت

مروت یکی از فضائل اخلاقی است که اندیشمندان درست‌بین از هر مسلکی در طول تاریخ قهرمانان حقیقی را بدان ستوده‌اند. مطهری (۱۳۸۱: ۳۸۹/۱) درباره این فضیلت و بازتاب آن در حماسه عظیم عاشورا می‌گوید: «مروت آن است که انسان به دشمنان خودش هم محبت بورزد. حافظ می‌گوید: آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا؛ ولی فرمان اسلام از این بالاتر است؛ اگر به اسلام نزدیکتر می‌شد چنین می‌گفت: با دوستان مروت، با دشمنان هم مروت و مردانگی. اینکه اباعبدالله در وقتی که دشمنش تشنه است به او آب می‌دهد معنایش مروت است». این روحیه که انسان از نامردی در برخورد و عهدشکنی در میثاق و تعدی به ضعیفان بپرهیزد، حامی ضعیفان باشد، به بیگناهان تعرض نکند، معذرت‌خواهی را بپذیرد، حق انسانی دیگران را (حتی اگر نامسلمان باشند) به رسمیت بشناسد، غیرت داشته باشد، هجوم بیگانه به نوامیس خود و دیگران را تحمل نکند و... همه از نشانه‌های فتوت است که در نهضت کربلا به وضوح متجلی شد (محدثی، ۱۳۸۷: ۳۶۷).

مروت و فتوت در مواضع متعددی از نمایشنامه حسینی شرفاوی نمود دارد. یکی از مواضعی که شرفاوی به زیبایی جوانمردی یکی از قهرمانان عاشورا را به تصویر می‌کشد، در پرده هشتم بخش اول نمایشنامه خویش است. آنجا که مسلم بن عقیل به پیشنهاد شریک بن اعور قرار می‌شود طی نقشه‌ای عبیدالله بن زیاد را که مهمان هانی بن عروه بود ترور کند. شرفاوی به زیبایی تمام و در داستانی خواندنی این لحظات را ترسیم می‌کند.

پس از آنکه مسلم از این کار امتناع می‌کند و با وجود داشتن مجال و فرصت عبیدالله را از پشت به قتل نمی‌رساند، بحثی میان مسلم بن عقیل و حاضرانی مثل شریک و هانی و... رخ می‌دهد که بسیار جالب و درخور تأمل است. آنجا پس از خروج عبیدالله، زید که یکی از حاضران است می‌گوید که فرصت برای همیشه از دست ما رفت: «زید: ضَاعَتِ الْفُرْصَةُ مِنَّا لِلْأَبَدِ». مسلم که از مخفیگاه خود بیرون می‌آید شریک از او می‌پرسد: تورا به خدا بگو چرا تردید کردی؟! «شریک: (لمسلم) عَمَرَكَ اللهُ لِمَاذَا تَتَرَدَّدُ؟»

پاسخی که مسلم می‌دهد بسیار جالب است. در واقع درسی برای بشریت تا انتهای تاریخ است. مسلم می‌گوید: «مَنْعَتَنِي مِنْهُ وَاللَّهُ تَقَالِيدُ الْفُتُوَّةِ، فَلَقَدْ يُؤْخَذُ مَنْ فِي الْبَيْتِ بِي مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ يَا ابْنَ عَرَوَةَ».^۱ در ادامه هانی می‌گوید: این من بودم که چنین تدبیری اندیشیدم، اما مسلم باز به جوانمردی و منش اسلام اشاره می‌کند: «مسلم: (مستمرًا) ثُمَّ إِنِّي مُؤْمِنٌ بِاللَّهِ وَالْإِيمَانِ قَيْدًا».^۲

سخنی که شرقاوی از زبان مسلم نقل می‌کند، روایتی از پیامبر اسلام ﷺ است که مسلم بدان استشهاد کرد: «إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفِتْكَ، وَ لَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ؛ إِيْمَانُ مَانِعٌ تَرَوْرٍ اسْتِ وَ مُؤْمِنٌ نَاغَافِلٌ حَمَلَةٌ نَمِي كُنْدُ» (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۱۴). در ادامه شرقاوی گفتگوی حاضران با مسلم را به زیبایی به تصویر می‌کشد و تفاوت نگرش مسلم با آنان را بیان می‌دارد: «شریک: أَنَا قَدْ جَاهَدْتُ مِنْ خَلْفِ رَسُولِ اللَّهِ فِي بَعْضِ وَقَائِعٍ، وَ شَهَدْنَا وَ عَرَفْنَا وَ عَلِمْنَا إِنَّمَا الْحَرْبُ خُدْعٌ. مُسْلِمٌ: نَحْنُ لَسْنَا الْآنَ فِي مَيْدَانِ حَرْبٍ».^۳ در ادامه شرقاوی به زیبایی تفاوت نگرش و سیاست اخلاقی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان پیشوای پارسایان با زاده ابوسفیان به عنوان حاکم ستگر را ترسیم می‌کند. زید که یکی از حاضران است در تعبیری بسیار زیبا می‌گوید امام علی علیه السلام به خاطر همین فضیلت‌ها حکومت را از دست داد! و برعکس پسر ابوسفیان خود را پست کرد تا به حکومت رسید:

۱. مسلم: به خدا آیین جوانمردی مرا بازداشت. افراد داخل خانه به خاطر من بی‌جهت گرفتار می‌شوند.

۲. مسلم: (ادامه می‌دهد) افزون بر آن من ایمان دارم، و ایمان مانع ترور است!

۳. من در برخی نبردها پشت سر رسول خدا بودم و دیده‌ایم و دانسته‌ایم که نبرد نیرنگ است!؛ مسلم: اما ما اکنون در میدان نبرد نیستیم.

شریک: کنت فی الهجره فی نحو الثلاثین، فکم عمری؟ أتحسب؟ قد بلونا ما بلونا و
 عرکنا ما عرکنا و عرفنا من صراع الحق و الباطل ما ینزله الغدر بنا^۱
 زید: الإمام المرتضی لم یخسر الإمره إلا بالفضائل^۲
 ابن عروه: و أسفّ ابن ابی سفیان فیها فکسب!^۳
 هرچند مسلم بر مبنای خویش پای می فشارد: مسلم: لیس بالمؤمن غدرٌ والحیاءُ الیوم
 لیست مصیده!^۴

ه) آزادی

در فراز و نشیب های زندگی، گاهی صحنه هایی پیش می آید که انسان ها به خاطر
 رسیدن به دنیا؛ حفظ آنچه دارند؛ تأمین تمنیات و خواسته ها و یا چند روز زنده ماندن
 هرگونه حقارت و اسارت را می پذیرند اما احرار و آزادگان، گاهی با ایثار جان هم بهای
 آزادی را می پردازند و تن به ذلت نمی دهند (محدثی، ۱۳۸۴: ۵۶). از مهمترین درس های
 مدرسه حسینی درس آزادی است. امام حسین علیه السلام پیشوای آزادگان جهان است. علامه
 محسن امین در این باره می گوید: «امام حسین علیه السلام همچنان که در دوران حیات خود
 انوار درخشان هدایت انسان ها به شمار می رفت شهادت او نیز چنان بود که مردمان
 می توانند درس آزادی را از او فراگیرند. آیا نمی بینی چگونه او با تمام شداید و مشکلات
 زندگی، مرگ را بر حیات ترجیح داد و با آغوش باز آن را پذیرا شد؟ و این در حالی بود که
 در شرق و غرب جهان به عظمت و بزرگواری او هرگز دیده نشده بود» (عاملی، ۱۳۷۶:
 ۹۷/۵).

شرقای پیش از این درباره پیامبر صلی الله علیه و آله نیز کتابی نگاشته که آن را رسول الحریه
 (پیامبر آزادی) نام نهاده است.^۵ در این نمایشنامه حسینی هم امام حسین علیه السلام منادی

۱. من در زمان هجرت پیامبر سی ساله بودم، الان فکر می کنی چند سال دارم؟ بسیار آزمودیم و رنج و دشواری دیدیم و
 شاهد بودیم که در نبرد میان حق و باطل، نیرنگ چه بر سرمان آورد!
۲. امام علی علیه السلام تنها به خاطر خوبی هایش حکومت را از دست داد.
۳. زاده ابوسفیان آنقدر خود را پست کرد تا حکومت را به دست آورد.
۴. مسلم: مؤمن را با خیانت، کاری نیست و زندگی این دنیا دام نیست!
۵. این کتاب توسط حسن اکبری مرزناک به فارسی ترجمه شده و با عنوان «محمد پیام آور آزادی» به چاپ رسیده است.



آزادی و آزادگی برای همگان است. در دانشنامه شعر عاشورایی آمده: «شرقاوی در این نمایشنامه به حقیقت تلاش کرده با توجه به واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی عصر خود، آفت‌های جامعه و شیوه مقاومت و ایستادگی در برابر آن را بیان نماید و ارزش آزادگی و عزّت را به مردم تفهیم کند» (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۶۲۹/۱). یکی از نمودهای بارز آزادگی در پرده هشتم بخش اول نمایشنامه است؛ آنجا که عبدالله بن جعفر سعی دارد هرطور شده امام علیه السلام را از رفتن به سوی عراق باز دارد و حضرت پاسخ زیبایی می‌دهد که درس آزادگی را برای آیندگان به ارمغان می‌آورد:

الحسین: أم تنصحنی بأن أَرْضی الدنیه؟

ألکی أعیسَ لبعض عام؟

فسینتهی الأجلُ المقدرُ ذاتَ یوم فی الحیاه الدنیویه

وإذن فکیف یکون فی الأخری مقامی^۱

سپس همه بنی‌هاشم را به همراهی با خود فرامی‌خواند تا پاسبان عدالت و شریعت و سنت باشند:

(صارخا) إنی لأدعوکم جمیعاً آل عبدالمطلب

سیروا معی لنقیم أمر الدین

هبوا لکی تحموا العدالة والشریعة والسنن

ولتنصروا الحق المهبین

من جاء فاز و من تثاقل

فاته النصرُ المبین^۲ (شرقاوی، ۱۹۹۵: ۱۳۶-۱۳۷)

در پرده‌ای دیگر آنگاه که امام علیه السلام در مقابل لشکریان عمر بن سعد قرار می‌گیرد آنان را

۱. حسین: آیا مرا نصیحت می‌کنی که به پستی راضی شوم، تا چند سال زندگی کنم. اجل مقدر ما در زندگی دنیا روزی به پایان می‌رسد، در آن صورت جایگاهم در آخرت چگونه خواهد بود.

۲. (با فریاد) ای خاندان عبدالمطلب همه شما را فرامی‌خوانم. با من بیایید تا کار دین را برپا داریم. برخیزید تا عدالت و شریعت و سنت‌ها را حمایت کنید و حق مهجور را یاری دهید. هرکس بیاید رستگار می‌شود و هرکس تعلل کند پیروزی آشکار را از دست می‌دهد.

موعظه می‌کند و به رسالت اسلام که آزادسازی روح انسان از بندهای مادی و هدایت اوست اشاره می‌کند: «أُوْبَعْدَ مَا قَدَحَ حَزْرَ الْإِسْلَامِ رُوْحَكُمْ فَسِرْتُمْ فِي الْهَدَايَةِ / تَسْتَعْبِدُ الشَّهَوَاتُ قَلْبَكُمْ وَتَدْفَعُكُمْ إِلَى طَرِقِ الْغَوَايَةِ»^۱ (شرقاوی، ۱۹۹۵: ۳۵۵).

و) پرهیز از دنیاطلبی

در کلام اهل بیت عصمت و طهارت محبت دنیا سررشته همه خطاها معرفی شده چنانکه از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۱/۲). یکی از درس‌ها و بلکه عبرت‌های مهم عاشورا پرهیز از دنیاطلبی و رفاه‌زدگی است. این دنیازدگی سبب می‌شود انسان نتواند در موقع لازم امام حق را یاری کند چرا که آنچه انباشته چون بندی مانع پرواز و رهایی او است. «به‌ویژه اگر این دنیا طلبی از راه حرام باشد و هدیه‌های نامشروع و غذاهای حرام و شبهه‌ناک شکم‌ها را پر کرده باشد. هم دل‌ها از درک و دریافت هدایت حق محروم می‌شود هم لقمه‌های حرام دینداری و تعهد را کاهش می‌دهد و عمل به وظیفه را در بوتۀ فراموشی قرار می‌دهد» (محدثی، ۱۳۸۴: ۱۹۵). شرقاوی در چند جای نمایشنامه به این حقیقت اشاره می‌کند و به‌طور غیرمستقیم خواننده و جامعه کنونی را از آفت دنیازدگی برحذر می‌دارد. در پرده چهارم نمایشنامه پس از آنکه سیدالشهداء برای وداع بر سر مزار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رود گفتگویی بلند میان ایشان و محمد حنفیه و حضرت زینب علیها السلام انجام می‌شود که در قسمتی از آن محمد، امام علیه السلام را از طمع‌ورزی و دنیاطلبی افراد برحذر می‌دارد: محمد: دَوْلَةٌ قَامَتْ عَلَي الْأَطْمَاعِ وَالْخَوْفِ فَمَاذَا أَنْتَ صَانِعٌ؟^۲

در ادامه حضرت زینب علیها السلام خطاب به برادرش می‌فرماید که اگر بر مسند حکومت نشینید کار شما با این زمین‌خواران! و سواستفادکنندگان از بیت المال سخت خواهد بود:

۱. آیا پس از آنکه اسلام روح شما را آزاد کرد و هدایت یافتید. شهوات قلب شما را تسخیر کرده و به راه‌های گمراهی سوق داده است.

۲. این دولت بر طمع و ترس بنا شده، شما می‌خواهید چه کنید؟

زینب: یا اِمَامَ الصَّالِحِينَ
 ما عَسَى تَصْنَعُ فِي أَهْلِ الْقَطَائِعِ؟
 ما عَسَى تَصْنَعُ فِيْمَنْ أَتْرَفُوا مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ
 ما عَسَى تَصْنَعُ فِيهِمْ؟

فی قصور شیّدوها و جوارٍ قد شروها و عطايا مَنحوها!^۱

این گفتگو همچنان ادامه دارد و امام حسین علیه السلام بیان می‌دارد که او بر مسیر پدرش خواهد رفت و در ادامه حضرت زینب علیها السلام دشمنی مال‌اندوزان را به حضرت یادآور می‌شود: و لهذا یرهبونک، ستراهم أغلظَ الناس علیک، کُلُّ مَنْ صَارَ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَالِ هُوَ الْآنَ عَدُوُّکَ^۲ (شرقاوی، ۱۹۹۵: ۱۰۴). نکاتی که شرقاوی از خلال این گفتگوها برای خوانندگان مطرح می‌کند جای بسی تأمل دارد و ناظر به کلام وجود مبارک سیدالشهداء در مذمت کوفیان است که به حرام‌خواری آنها اشارت فرمود: «فَقَدْ مُلِئْتُ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۴۵).

مقام معظم رهبری در اشاره به همین نیازدگی برخی افراد در زمان سیدالشهداء می‌فرماید: «وقتی می‌گوییم فاسد شدن دستگاه از درون یعنی افرادی در جامعه پیدا شوند که به تدریج بیماری اخلاقی مُسری خود-دنیازدگی و شهوت‌زدگی - را که متأسفانه مهلک هم هست، همین‌طور به جامعه منتقل کنند. در چنین وضعیتی مگر کسی دل و جرأت یا حوصله پیدا می‌کرد که به سراغ مخالفت با دستگاه یزید بن معاویه برود؟! چه کسی به فکر این بود که با دستگاه ظلم و فساد آن روز یزیدی مبارزه کند؟ در چنین زمینه‌ای قیام عظیم حسینی به وجود آمد» (انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۶: ۱۷۱).

نتیجه

در دوران معاصر آثار ارزنده‌ای توسط متفکرین و ادیبان اهل سنت درباره قیام

۱. زینب: ای امام صالحان! با زمین‌داران چه خواهید کرد، با کسانی که از بیت المال مسلمانان بسیار به نفع خود بهره برده‌اند چه خواهی کرد؟ با قصرهایی که ساخته‌اند و کنیزانی که خریده‌اند و بخشش‌هایی که کرده‌اند.

۲. زینب: برای همین از تو هراس دارند، خواهی دید که از همه بیشتر به تو سخت خواهند گرفت، هرکس مالی به ناحق اندوخته اکنون دشمن توست.

سیدالشهداء نگاشته شده است. یکی از این آثار ارزنده نمایشنامه «الحسین ثائرا و شهیدا» اثر اندیشمند و ادیب مصری عبدالرحمن شرقاوی است که در دو بخش و سیزده پرده به نگارش درآمده است. با توجه به اوضاع مصر در زمان نگارش این اثر، شرقاوی در این نمایشنامه سعی دارد در خلال روایت حوادث درس‌ها و پیام‌های عاشورا را برای جامعه و مردم خویش بازگو کند تا خیزشی در آنها ایجاد نماید و بر بصیرت و آگاهی سیاسی و اجتماعی آنها بیافزاید. اخلاص، عدالت خواهی، ظلم ستیزی، مروت و جوانمردی، آزادگی و پرهیز از دنیا طلبی از مهمترین پیام‌های عاشورایی که شرقاوی به سبکی زیبا و نمایشی به خوانندگان ارائه می‌دهد. او جهان اسلام و مصر را نیازمند پیروی از سیره امام حسین علیه السلام می‌داند تا با اقتدا به آن امام همام به سعادت دنیا و آخرت نائل گردند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف، دارالمرتضویه.
- انسان ۲۵۰ ساله (حلقه دوم) (۱۳۹۶ش)، بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ادمه معصومین، قم، مؤسسه ایمان جهادی.
- انگری، گابریل (۱۳۷۸ش)، علی و حسین دو قهرمان اسلام، ترجمه فروغ شهاب، تهران، ارمغان.
- بارا، آنتوان (۱۳۸۱ش)، امام حسین در اندیشه مسیحیت، ترجمه فرامرز میرزایی و علی باقر طاهری‌نیا، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- بحرالعلوم، سید محمد مهدی (۱۳۷۶ش)، ترجمه شیخ رحمه الله کرمانی، تحقیق حسین درگاهی، تهران، انتشارات اسوه.
- بدوی، محمد مصطفی (۲۰۱۶م)، المسرح العربی الحدیث فی مصر، ترجمه أنوار عبد الخالق، قاهره، المركز القومي للترجمة.
- الجبوری، کامل سلمان (۲۰۰۳م)، معجم الأدباء من العصر الجاهلی حتی سنه ۲۰۰۲م،

- بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۶ش)، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۷۷ش)، قیام جاودانه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زیات، احمد حسن (۱۳۸۳ش)، تاریخ الأدب العربی، سنندج، تافگه.
- شرفاوی، عبدالرحمن (۱۳۹۹ش)، سفر خروج، ترجمه غلامرضا امامی، تهران، امیرکبیر.
- _____ (۱۹۹۵م)، الحسین نائرا و شهیدا، بیروت، الدار العالمیه.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۴ش)، امامان اهل بیت علیهم السلام مرزبانان حریم اسلام، قم، دارالصدر.
- فضل الله، سید محمد (۱۳۸۴ش)، حدیث عاشورا، ترجمه فرزاد اسدی، تهران، امیر کبیر.
- عاملی، سید محسن امین (۱۳۷۶ش)، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران، سروش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- محدثی، جواد (۱۳۸۴ش)، پیام های عاشورا، قم، زمزم هدایت.
- _____ (۱۳۸۷ش)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳ش)، دانشنامه شعر عاشورایی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصطفوی، محمد (۱۳۹۲ش)، اخلاق محمدی در آینه نهج الفصاحه (۱۲۰۰ حکمت و موعظه از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به همراغ فهرست موضوعی) ترجمه سید مهدی نوری کیدقانی، مشهد، امید مهر.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱ش)، حماسه حسینی، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المزار، تصحیح محمد باقر ابطحی، قمک، کنگره جهانی شیخ مفید.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۷ش)، متون نظم و نثر معاصر ۲، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

